

خبرها

سید مهدی شجاعی مطرح کرد:

لطفاً مسئولان برای ابوالفضل زرویی

پیام تسلیت ندهند

بخش فرهنگی – سید مهدی شجاعی در پیامی نوشت در رحلت مظلومانه این شخصیت بی بدیل عرصه ادب، همه مدیران و مسئولان عالی و دانی مسئول اند و باید در هر دو جهان پاسخگوی بی‌توجهی و سهل انگاری و بیرحمی خود باشند.

به گزارش خبرنگار مهر، در پی درگذشت ابوالفضل زرویی نصرآباد شاعر و طنزپرداز معاصر، سید مهدی شجاعی نویسنده و مدیر انتشارات کتاب نیستان یادداشتی را منتشر کرد. متن این یادداشت که برای انتشار در اختیار قرار گرفته است به شرح زیر است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یا انا الله وانا الیه راجعون

بِنِیْلِ الْمُؤْمِنِیْنَ رَجُلًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضٰی نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیْلًا
لِیُجِزٰی اللّٰهَ الصّٰدِقِیْنَ بِصِدْقِهِمْ ویُعَذِّبُ الْمُنَافِقِیْنَ اِنْ شَاءَ اُوْ تَیَوَّبَ عَلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَحِیْمًا.
خبر درگذشت برادرم ابوالفضل زرویی نصرآباد، خبری دهشتناک و تکان دهنده بود.

مردم ایران، به خصوص اصحاب فرهنگ و ادب و هنر و بالاخص اهالی خطه طنز شخصیتی شریف، وارسته، فاضل، آزاده، مهربان، جوانمرد، اهل درد و ادیب و هنرمند را از دست دادند که داغ فقدانش تا ابد بر دلها خواهد ماند.

وسعت جای خالیش چنان بیکرانه و نامحدود است که هیچ چیز و هیچ کس، آن را پر نمی کند.

ابوالفضل زرویی نه تنها شخصیتی بی بدیل در ادبیات طنز معاصر بود که در تاریخ طنز ایران مثل و نظیر نداشت.

اگرچه مرگ حق است و سرنوشته محتوم و مختوم همه ما. اما داغ سنگین توری که سفر ناگهانی این بزرگمرد عرصه ادب، بر دل ما گذاشت، مرگ مظلومانه و غریبانه اوست.

رحلت غریبانه ابوالفضل زرویی نشان داد که عرصه فرهنگ و ادب و هنر در کشور ما بی‌صاحبترین است و هیچ قوه تمیز و تشخیصی که لعل و گوهر را از خرف بازشناسد و قدر بداند در هیچ سطحی از مدیران و مسئولان وجود ندارد.

رحلت غریبانه ابوالفضل زروئی نشان داد که در کشور ما هیچ مقام مسئولی دلش برای فرهنگ و ادب نمی‌تپد و سیاستمداران و مدیران کلان در عرصه فرهنگ و هنر، از کمترین دغدغه ای برای اهالی این خطه برخوردار نیستند.

در رحلت مظلومانه این شخصیت بی بدیل عرصه ادب، همه مدیران و مسئولان عالی و دانی مسئول اند و باید در هر دو جهان پاسخگوی بی‌توجهی و سهل‌انگاری و بیرحمی خود باشند. در این واقعه مولمه و مصیبت جانسوز هیچ کدام حق ندارند ابراز تائ و تاسف کنند و پیام تسلیت بدهند و برای خود کسب آبرو کنند. کسانی که از وضعیت و شرایط این عزیز خبر داشتند و هیچ کدام هیچ قدمی برداشتند. همان بهتر که ما را با غم خود رها کنند و به کار و بار خود بپردازند.

این مصیبت طلقت سوز را به یکایک عزیزان ادیب و طنزپرداز تسلیت عرض می‌کنم و برایشان از خداوند صبر و سلامتی می‌طلبم. بخصوص عزیزانی که ابوالفضل را از نزدیک می شناختند و با او رفاقت داشتند. عزیزانی که نمی دانند در کدام مصیبت بگریند. مصیبت از دست دادن رفیقی شفیق و با معرفت، مصیبت فقدان ادیب و طنزپردازی بی بدیل یا مصیبت بی پناهی اصحاب فرهنگ و هنر. خداوند متعال، ابوالفضل زرویی را با موابلایش بخصوص حضرت ابوالفضل قمر بنی هاشم محشور فرماید و غریق رحمت و غفران بی انتهایش گرداند.

●●●●●

معماران ایرانی

برنده جشنواره جهانی هلند

بخش فرهنگی – دو طرح از معماران ایران در بخش «پروژه‌های آینده» جشنواره جهانی معماری در شهر آمستردام هلند برگزیده شدند. به گزارش ایسنا، طرح مرکز اجتماعی شهر جدید صدراز گروه معماری کارند (علی شریعتی، زهرا سربندی) در بخش رقابتی «پروژه‌های آینده» جشنواره جهانی معماری موفق به کسب جایزه اول شد و طرح خانه طاقی گویم در شیراز از علیرضا تغابنی نیز برنده بخش «خانه – پروژه‌های آینده» این جشنواره جهانی شد.

طرح خانه طاقی گویم

امسال همچنین سازه مسجد حضرت ولیعصر (عج) که توسط رضا دانشمیر و کاترین اسپریدونوف طراحی شده است در بخش پروژه‌های تکمیل شده مذهبی جشنواره جهانی معماری به عنوان یکی از هشت نامزد نهایی کسب جایزه معرفی شده بود که در نهایت جایزه این بخش به سازه کلیسایز یادبود بلاروس در شهر لندن رسید.

جشنواره جهانی معماری از سال ۲۰۰۸ برگزار می‌شود و چهار سال ابتدایی آن در شهر بارسلونا برگزار شد و پس از آن چهار سال نیز سنگاپور میزبان این رویداد بود. برلین آلمان و شهر آمستردام در کشور هلند در سال‌های اخیر میزبان این رویداد جهانی در عرصه هنر معماری بودند. امسال طرح‌ها و پروژه‌های تکمیل‌شده از سراسر جهان در قالب بیش از ۳۰ بخش به رقابت با هم پرداختند.

●●●●●

روز «برتولوچی»

در جشنواره فیلم تورین

بخش فرهنگی – جشنواره بین‌المللی فیلم «تورین» با اختصاص دادن یک روز به نمایش آثار «برناردو برتولوچی» به این سینماگر بزرگ ایتالیایی ادای احترام کرد. به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، سی‌وششمین جشنواره فیلم «تورین» (یکشنبه ۱۱ آذر) با اختصاص دادن کل روز به نمایش آثار «برناردو برتولوچی» استاد سینمای ایتالیا به کار خود پایان می‌دهد. «برناردو برتولوچی» کارگردان برنده اسکار ایتالیایی هفته گذشته و پس از چند سال مبارزه با بیماری سرطان در سن ۷۷ سالگی در شهر رم درگذشت.

فیلم «۱۹۰۰» با بازی «ایرنت دنیرو»، «ژرار دیپاردو»، «برت لنکستر» و «دونالد سائترلد»، «دنیاالرو» و بازی «ژان لونی ترتینیان»، «ودومیکا ساندانا» و «ستفانیا ساندرلی» و همچنین فیلم «ژیپایی ربوده‌شده» با نقش‌فرینی «لیو تایلر»، «جرمی ایزونز» و «راشل ویز» سه فیلم از ساخته‌های «برناردو برتولوچی» هستند که در سینما «ماسیمو» شهر تورین به روی پرده می‌روند. «برتولوچی» از کارگردانان ثروتمندست و یکی از برجسته‌ترین سینماگران ایتالیایی در تمام ادوار به‌شمار می‌رود که با ورود به سینما در چند فیلم دستیار کارگردان سرشناس ایتالیا، در جمله «پازولینی» بود. این کارگردان ایتالیایی خالق آثار به‌یادماندنی چون «آخرین تانگو در پاریس» و «آخرین امپراتور» است و طی پنج دهه فعالیت سینمایی، حدود ۱۵ فیلم سینمایی ساخته که آثار تحسین‌شده‌ای چون «۱۹۰۰»، «آسمان سربانه»، «روپاییان‌ها» و «بودای کوچک» از آن جمله هستند.

«پیش از انقلاب» (۱۹۶۴)، «جاده نفت» (۱۹۶۵)، «عشق و خشم» (۱۹۶۹)، «دنیاالرو» (۱۹۷۰)، «۱۹۰۰» (۱۹۷۶)، «ماه» (۱۹۷۹)، «ژیپایی ربوده شده» (۱۹۹۶)، «همصور» (۱۹۹۸) و یک اپیزود از فیلم «دقایق مرده» ویولونسل» (۲۰۰۲) از مهم‌ترین آثار «برناردو برتولوچی» محسوب می‌شوند.

وی پیش از مرگ نگارش فیلمنامه‌ای با عنوان «تاق پژواک» را به پایان رسانده بود و حتی صحبت‌هایی را نیز درباره مقابل دوربین بردن این فیلمنامه انجام داده بود.

قراس است سالن تئاتر «Teatro Argentina» شهر رم در تاریخ ۶ دسامبر (۱۵ آذر) میزبان مراسم یادبود ویژه‌ای برای این کارگردان ایتالیایی باشد.

{ فرهنگ و هنر }

بهترین اقتباس‌های ادبی در سینمای ایران

ساناز رضفانی

هرساله پرفروش‌ترین کتاب‌های داستانی، به پرده سینما راه می‌یابند یا سر از شبکه‌های تلویزیونی درمی‌آورند. دلیلش هم ساده است؛ وقتی کتابی را می‌خوانید، ذهنتان به قلقلک می‌افتد که شخصیت‌ها را تصور کنید، دنیای کتاب را پیش رویتان مجسم کنید و قدم به قدم به جهان داستانی پیش رویتان بگذارید و برای این کار چه ابزاری بهتر از سینما.

نگاهی به بهترین آثار سینمای جهان بیندازید تا این تعامل را بهتر دریابید. مجموعه فیلم‌های «جیمز باند»، «هری پاتر»، فیلم «غذا، دعا، عشق»، «مردی به نام اوه»، سریال «بازی تاج‌وتخت» و حتی آثار کلاسیک سینمای جهان چون «به‌کایه»، «پاپیون»، «آنا کارنینا» و «دکتر ژوبواگو» همه از میان جهان داستانی آمده‌اند که بیننده قبلاً با خواندن رمان، آن را تصور کرده است.

اما اقتباس در سینمای ایران، چندان مرسوم نیست. در شرایطی که به نظر می‌رسد ایده‌های اصلی کم شده است و بهتر است بگوییم ته کشیده است، همه یک‌سکان فیلم می‌سازند و هر از چند گاهی موجی سینما را در برمی‌گیرد، ادبیات و کتاب‌های داستانی چرا به پرده سینما راه نمی‌یابند، سؤالی است که پاسخش به‌حق مؤلف و توافق نویسنده برای اقتباس از اثرش برمی‌گردد. پیچیده بودن قوانین مربوط به‌حق مؤلف و ناسازگاری تهیه‌کنندگان و نویسندگان به کنار، بوده‌اند و هستند فیلم‌سازانی که این ریسک را می‌پذیرند و اتفاقاً در بیشتر توری به موفقیت هم رسیده‌اند. به همین بهانه، یعنی هفته کتاب و کتاب‌خوانی، ما هم بر آن شدیم تا نگاهی به اقتباس در سینمای ایران و معرفی چندتایی از بهترین فیلم‌های ایرانی که فیلم‌نامه‌ای اقتباسی دارند، بیندازیم:

عقاید یک سنتوری



داریوش مهرجویی همان‌طور که پدر موج نوی سینمای ایران است، باید لقب پدر اقتباس در سینما را نیز از آن وی دانست. از «گاو» که اقتباسی از داستان عزاداران بیل، نوشته غلامحسین ساعدی است تا همین اواخر که «شباح» را از نمایشنامه «خانه شباح» نوشته هنریک ایبسن، اقتباس کرده است، همیشه در سینمایش با ادبیات در یک تعامل نزدیک بوده است. در میان آثار مهرجویی، «درخت گلابی» اقتباسی از کتابی به همین نام از گلی ترقی، «هامون» که برداشتی آزاد از «یوف کور ” صادق هدایت است، «پری» بر اساس «قرانی و زویی ” نوشته سالینجر، «سارا» بر اساس «خانه عروسک ” نوشته ایبسن، شهرت بیشتری دارند. حتی «همان مامان» که از داستانی به همین نام از هوشنگ مرادی کرمانی آمده است هم نزد عموم بسیار محبوب است. دلیل اینکه این بار «سنتوری» را برای معرفی انتخاب کردیم، این است که اولاً سایر آثار مطرح مهرجویی را قبلاً بررسی کرده‌ایم و ثانیاً شاید کمتر کسی بداند که «سنتوری» برداشتی آزاد از رمان محبوب و پرفروش «عقاید یک دل‌فک ” نوشته هاینتیش بل است.

داش آکل در خاک



ناخدا تقوایی

ناصر تقوایی، یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین فیلم‌سازان سینمای ایران هم چند باری به اقتباس ادبی روی آورده است. آنچه آثار اقتباسی تقوایی را برجسته می‌کند، توانایی‌اش در تطبیق یک داستان خارجی با فضای ملی و بومی ایران است. تقوایی در «ناخدا خورشید» به سراغ «داشتن و نداشتن “ همنگویی می‌رود و یک داستان ناپاکایی را به بهترین شکل به یک قصه بومی در مورد مردمان جنوب کشور تبدیل می‌کند. تقوایی همچنین «رامش در حضور دیگران» را از داستانی به همین نام به قلم غلامحسین ساعدی اقتباس می‌کند؛ اما نام ناصر تقوایی با «دایی جان ناپلئون» که‌خورده است؛ یکی از بهترین اقتباس‌های سینمای ایران است که به‌خوبی با پایبندی به اصل اثر، به یک اثر نمایشی درجه اول تبدیل‌شده است.

سگی به نام پات



در همین آثار مؤخرتر سینمای ایران، «پات»، ساخته امیر توده روستا، ازجمله بهترین اقتباس‌هایی است که انجام‌گرفته است. توده روستا در این فیلم به سراغ داستان تحسین‌شده صادق هدایت، «سگ ولگرد ” می‌رود و روایتش را از نقطه‌نظر سگی که صاحبش را گم کرده است، روایت می‌کند. ساخته توده روستا، به‌اندازه رمان صادق هدایت، دارای ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناسی است و همان نگاه سمبولیک هدایت در اثرش است.

فروشنده



مسعود کیمیایی نیز از جمله فیلم‌سازانی است که در طول دوره کاری‌اش، چند باری به سراغ ادبیات رفته است و با اقتباس یا یک برداشت آزاد، یک رمان یا داستان کوتاه را به تصویر کشیده است. معروف‌ترین اقتباس کیمیایی، «داش آکل» از داستانی با همین نام به قلم صادق هدایت است. «غزل» نیز اقتباسی از داستان کوتاه «مزاحم ” نوشته خورخه لوئیس بورخس است؛ اما پررسو‌صداترین اقتباس مسعود کیمیایی مربوط به «خاک» است. فیلمی که بعد از ساخته‌شدن با اعتراض محمود دولت‌آبادی روبرو شد، زیرا معتقد بود این فیلم با اقتباس از داستان “آوسنه بابا سبحان ” وی ساخته‌شده است و علی‌رغم اینکه فیلم را ستود اما آن را دور از بن‌مایه اصلی قصه‌اش دانست.

سفر به دوران کودکی با هوشنگ مرادی کرمانی



آثار هوشنگ مرادی کرمانی اصلاً جان می‌دهند برای اقتباس سینمایی و شاید در کنار غلامحسین ساعدی و صادق هدایت، ازجمله نویسندگانی باشد که بیشترین اقتباس از آثار او صورت گرفته است. در کنار «همان مامان»، «خرمه»، «مربای شیرین» و «گوشواره»، معروف‌ترین اثری که از روی نوشته‌های مرادی کرمانی اقتباس شده است، “ قصه‌های مجید ”، ساخته کیومرث پوراحمد است. پوراحمد، همچنین، درام موزیکال «خواهران غریب» را از رمانی به همین نام نوشته اریش کستور و «توبوس شب» را هم از “ سی‌ونه و یک اسیر ” نوشته حبیب احمدزاده اقتباس کرده است.

اقتباس هنوز زنده است



بهرام توکلی، ازجمله سینماگران نسل جدید است که توجه ویژه‌ای به ادبیات در آثار خود دارد. توکلی، اثر تحسین‌شده «اینجا بدون من» را بر اساس نمایشنامه «باغ‌وحش شیشه‌ای ” تنسی ویلیامز ساخته است و برای فیلم «بیگانه» خود به سراغ “توبوسی به نام هوس ” همین نویسنده رفت.

اکتای برهانی، فیلم‌ساز دیگری است که برای اولین تجربه فیلم‌سازی‌اش به سراغ یک شاهکار ادبی جهانی رفته است. وی در «پل خواب» به نگاهی به «جنایت و مکافات ” اثر داستایوفسکی، قصه‌ای شبیه همان داستان اما در ایران و با کشمکش‌های روز اجتماعی آفریده است.

بهرروز افخمی هم پس از اقتباس موفق از «گاوخونی ” جعفر مدرس صادقی، در آخرین کارش به سراغ داستانی از مرجان شیرمحمدی، یعنی همسرش می‌رود و با «آذر، شهادت، پرویز و دیگران» در جشنواره فجر، جایزه بهترین فیلم را از آن خود کرد.

در اینجا فکر نمی‌کنم لازم باشد به آثاری چون «شازده احتجاب»، «شب‌های روشن»، «تردید»، «دایره مینا» و «تنگسیر» صحبت کنیم که به‌عنوان معروف‌ترین و بهترین اقتباس‌های سینمایی، دیده و شناخته‌شده‌اند.

مارک تواین، پدر ادبیات آمریکا را بیشتر بشناسید

این سفر جمع آوری نمود. پس از آن، سفری به فرانسه و ایتالیا داشت و تجربیات خود را در کتابی با نام «بی‌گناهان فرنگ» ذکر کرد که پس از انتشار، به سرعت به اثری محبوب در میان آمریکاییان و اروپاییان تبدیل شد. تواین معمولاً برای نوشتن به مسافرت های متعدددش رجوع می کرد و شاید به همین دلیل است که آثارش حال و هوای سفرنامه دارد؛ نمونه بارز آن «ماجراهای تام سایر» است که در سال ۱۸۷۶ به چاپ رسید. موفقیت اولین کتاب تواین تا حدی او را از لحاظ مالی تأمین کرد و او توانست با «اولیویا لنگدن» ازدواج کند. اولیویا زنی خانواده دوست بود و خود را وقف حفاظت و مراقبت از شوهر و خانواده اش می کرد. یک سال پس از ازدواج به هارتفورد مهاجرت کردند و غیر از مسافرت های مقطعی که به خارج از کشور داشتند، تا سال ۱۸۹۱ در این مکان ماندند. در این زمان تواین سخنرانی های متعددی را در ایالات متحده و انگلستان در زمینه ادبیات ایراد نمود و در خلال همین دوران هم آثار درخشان خود را خلق کرد که «ماجراهای تام سایر»، «شاهزاده و گدا»، «زندگی در ساحل رودخانه می سی سی پی» و «هاکلبری فین» از آن جمله اند. تواین داستان «شاهزاده و گدا» را درباره ادوارد ششم پادشاه انگلستان نوشت و آن را به دختران خوش اخلاق و مهربان خود،

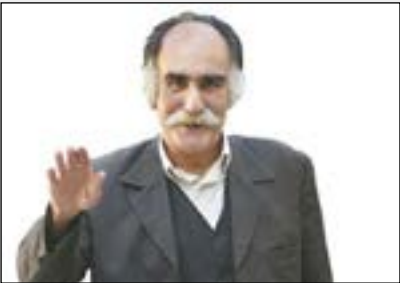
«سوزی» و «کلارا» تقدیم کرد. مارک تواین، با داستان های پرماجرای خود مانند «تام سایر» و «هاکلبری فین» به‌نویسنده‌ای جهانی بدل شد و در سراسر جهان خوانندگان فراوانی یافت.«رنست همینگوی» در اثر خود به نام «پتیه های سبز آفریقا» می نویسد: «تمام ادبیات نوین آمریکا از یک کتاب سرچشمه می گیرد و آن «هاکلبری فین» اثر مارک تواین است… و بهترین کتابی است که در دست داریم.» در این سال ها او در اوج آفرینندگی و آسایش در کنار همسر و فرزندانش به سر می برد. در سال ۱۸۹۴ بنگاه نشری که مارک تواین در آن سهم عمده داشت زبان سنگینی داد، و نیز ماشین حروفچینی پرخرجی که مارک تواین در آن سرمایه گذاری کرده بود بی فایده از کار درآمد. مارک تواین ورشکسته شد. ناچار برای پرداخت بدهی های سنگین خود به اروپا رفت و به سخنرانی و خواندن قطعات آثار خود و خنداندن و سرگرم کردن مردم پرداخت. در سال ۱۹۰۰ به آمریکا بازگشت و توانست بدهیهای های خود را تماماً بپردازد و عنوان «ورشکسته»، را از روی نام خود بردارد. اما چند سال کار توان فرسا، و مرگ فرزند و بیماری همسر، او را در هم شکسته بود و ده سال پایانی عمر به تلخکامی و نومیدی گذشت. با این حال مارک تواین هرگز دست از کار نکشید، چنان که پس از مرگش حجم آثار منتشر نشده اش از آثار منتشر شده اش کمتر نبود.

دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۷

خبرها

ابوالفضل زرویی نصرآباد

درگذشت



بخش فرهنگی – ابوالفضل زرویی نصرآباد در سن ۴۹سالگی از دنیا رفت.

ناصر فیض با تایید خبر درگذشت این طنزپرداز و پژوهشگر به ایسنا گفت: روز شنبه، دهم آذرماه، متوجه شده‌ام که آقای زرویی از دنیا رفته است. زمان دقیق فوت هنوز مشخص نیست اما علت مرگ ظاهرا سخته بوده است.

سعید بیابانکی هم به ایسنا گفت: آقای زرویی مدت‌ها بود که بیماری دیابت داشت و قلبش را هم دو سال پیش جراحی کرده بود. قبل از ماه محرم در جلسات حوزه هنری می‌دیدمش اما چند وقتی از او خبر نداشتیم. خبر درگذشتش برای‌مان شوک‌آور بود.

تعدادی از طنزپردازان و دوستان زرویی نصرآباد در پی شنیدن خبر درگذشت او که تنها زندگی می‌کرد به منزلش در احمدآباد مستوفی رفت‌اند.

ابوالفضل زرویی نصرآباد متولد ۱۵ شهریور سال ۱۳۴۷، با نام‌های مستعارِ همچون ملاصرالدین، چغندر‌میرزا، ننه قمر، کلثوم ننه، امیرمتمقی، میرزا یحیی و عبدل طنز می‌نوشت.

از کتاب‌های او هم به این آثار می‌توان اشاره کرد: «تذکره المقامات»، «افسانه‌های امروزی»، «بقایع‌نامه طنز ایران» (همکاری با فریبا فرشادمهر)، «بامعرفت‌های عالم» (کتاب گویای طنز)، «فوزه‌ها» (مجموعه شعر طنز)، «حدیث قند» (مجموعه مقالات طنزپژوهی)، «فلاغه به خونه‌ش نرسید» (مجموعه افسانه‌های طنزآمیز)، «ماه به روایت آه»، «خاطرات سر پروفسور حسنعلی‌خان مستوفی»، «یک بغل کاکتوس: صد شعر طنز»، «اصل مطلب: مجموعه شعر طنز»، «اندر حکایت شیرین بیمه» و «این مرد مشکوک».

●●●●●

رویا صدر عنوان کرد:

نقش بی نظیر ابوالفضل زرویی

در طنز ایران

بخش فرهنگی – رویا صدر در پی درگذشت ابوالفضل زرویی نصرآباد با بیان این‌که او نقش بی‌نظیری در جامعه طنز ایران داشت، می‌گوید: استحکام ساختاری آثار و عمق و تلخی نگاه زرویی، او را از دیگر طنزپردازان متمایز می‌کرد.

این طنزپرداز در پی درگذشت ابوالفضل زرویی نصرآباد – طنزپرداز و پژوهشگر – در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: زرویی نصرآباد در ابتدا با نشریه «خورجین» همکاری داشت و بیشتر طنز منظوم می‌نوشت. بعدها با مجله «گل‌آقا» در بخش‌های مختلف اعم از نثر، نظم و شعر نو همکاری داشت. معروفیتش هم بیشتر به خاطر ستون «تذکرالمقامات» بود که به عنوان قالبی در طنز مطرح شد. در طنز امروز هم با گذشت دو دهه می‌بینم از این قالب هنوز استفاده می‌شود و این قالب هنوز نو و کارآمد است. اسم مستعارش در «گل‌آقا» ملاصرالدین بود و بیشتر جاها با این نام شناخته می‌شد. پس از «گل‌آقا» او با نشریات و دیگری از جمله روزنامه‌های همشهری، انتخاب و جام‌جم و مجله مهر همکاری داشت.

صدر در ادامه افزود: تسلط زرویی بر ادب فارسی در شعر کلاسیک، نو و آثاری که به صورت نثر می‌نوشت کاملا مشخص بود. در عین حال در آثار طنزش تلخی و عمق وجود داشت که او را از بسیاری طنزنویسان در گذشته و حال متمایز می‌کرد. ویژگی دیگرش در شعر طنز این بود که زبان روز را در آثاری که در دهه ۸۰ منتشر کرد و در کتاب «بامعرفت‌های عالم» وارد کرد و با شیوه استادانه‌ای زبان عامیانه امروز را در شعر کلاسیک به کار برد. این قالب هم بعدا توسط طنزنویسان جوان‌تر استفاده شد.

این پژوهشگر خاطر‌نشان کرد: زرویی نصرآباد در شکل‌گیری بخشی از جریان طنز امروز نیز با تاسیس جامع و محافل طنز و نیز تربیت نسلی از طنزنویسان حال حاضر نقش داشت. او موسس دفتر طنز حوزه هنری بود. همچنین بنیان‌گذار نخستین شب شعر طنز در ایران بود که در این بخش از فعالیت‌هایش نیروهای جوان‌تر را شناسایی و به طنز ما معرفی کرد که این افراد در حال حاضر در فضای طنز ایران نقش دارند.

او سپس با بیان این‌که زرویی نصرآباد بسیار فروتن و متواضع بود، تأکید کرد: آقای زوریی مانند کسانی که به صورت جدی وارد ادبی طنز می‌شوند حساب بود. او یکی از تأثیرگذارترین افراد در طنز مطبوعاتی و همچنین یکی از جریان‌سازترین افراد در طنز امروز ما بود که امتزاج قدرت طنز‌آوری و استحکام ساختاری آثارش در طنز امروز جامعه ما نظیر نداشت و متأسفانه زودهنگام و قبل از آن‌که به ۵۰ سالگی برسد، او را از دست دادیم.